

هم‌وغم این روزهای طیف‌های مختلف!



احمد زیدآبادی

فعال سیاسی اصلاح طلب

این روزها تمام هم و غم اصلاح‌طلبان این شده است که در سه ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری، توافقنامه برجام به نحوی احیا شود تا بلکه از قبل آن، بارقه امید در دل برخی اقشار اجتماعی جرقه زند و آنان را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری به نفع کاندیدای موردنظرشان برانگیزد. تمام هم و غم اصولگرایان هم این شده است که مانع چنین اتفاقی شوند تا کاندیدای خودشان بدون زحمت و دردسر در انتخابات پیروز و به تبع آن، قدرت سیاسی در کشور یکدست شود تا بعد ببینند چه خواهد شد! تمام هم و غم نیروهای اپوزیسیون خارج از کشور هم این شده است که از آخرین سخنان رضا پهلوی کشف رمز به عمل آورند و توضیح دهند که آیا او با سلطنت وداع کرده و جمهوریخواه شده یا اینکه موضع جدیدی نگرفته است؟ در این میان، می‌توان از اصلاح‌طلبان پرسید؛ حالا به فرض که در این سه‌ماهه برجام علانمی از حیات هم نشان داد و بر اثر آن، نیروی موردنظر شما به ساختمان پاسستور راه یافت! بعدش چه؟ یک‌کدام بزار و امکانات می‌خواهید بر موانع دیگر پیش‌رویتان غلبه کنید و کشور را از این تعلیق و بلا تکلیفی درآوردید؟ لاید خواهند گفت، احیای برجام در هر سطح به معنای خروج از تعلیق و بلا تکلیفی است! ای بابا! خلق ابتدایی برجام نتوانست مانع پیدایش شرایط تعلیق و بلا تکلیفی شود حالا یک دم و بازدم آن چگونه می‌تواند؟ از اصولگرایان هم که نمی‌توان چیزی پرسید. از نیروهای اپوزیسیون خارج از کشور هم می‌توان پرسید، حالا که به هر دلیلی مواضع کسی که ادعای لیدری این نیروها را دارد به مهم‌ترین دغدغه شما تبدیل شده است، چرا برای کشف رمز سخنان او اینقدر خود را به زحمت می‌اندازید؟ او که خودش حی و حاضر و زنده است! یعنی نمی‌شود با یک تماس تلفنی یا ایمیلی نظر واقعی‌اش را از خودش پرسید و حتما لازم است که برای تفسیر و تاولی حرف‌های او اینقدر جرح و بحث راه اندازید و اعصاب یکدیگر را خرد و خمیر کنید؟

روی خط

حجت‌الاسلام‌ها می مطرح کرد

در دوره احمدی‌نژاد دولت نظامی را امتحان کردیم، مملکت به هم ریخت



یک فعال سیاسی اصلاح طلب در خصوص ورود نظامی‌ها به عرصه انتخابات اظهار داشت: یک زمانی فعالیت سیاسی انجام می‌دهیم و یک کسی فعال سیاسی است. به طور مثال، فردی نظامی که از شغل خود بیرون آمده و در حال حاضر یک فعال سیاسی است. در این بحثی نیست؛ اما، دولت نظامی با پیشانی رئیس جمهور که پیشانی جمهوری است؛ در هیچ یک از کشورهای منطقه موفق نبوده است. محسن‌رهمی گفت: سیاست حوزه چانه‌زنی، حوزه لابی‌کردن و حوزه روش‌های متعالف است. در دولت آقای احمدی‌نژاد، تا حدی دولت نظامی را امتحان کرده و متوجه شدیم که آنان خیلی به قوانین پایبند نبوده و مملکت را بهم می‌زنند. اگر به کشورهای دیگری مانند ترکیه و پاکستان، چه در دوره نظامی‌ها و چه در دوره غیرنظامی‌ها نگاه کنید؛ زمانی که ژنرال‌ها برای اداره کشور روی کار آمدند، در گفت‌وگو با دنیا موفق عمل نکردند. وی افزود: ممکن است نظامیان بگویند پس در روایتی چه؟، روحانیون همانند نظامیان نیز تشکیلات منسجم اداری سازمانی ندارند در حالی که نیروهای مسلح یک سازمان است. من استاد دانشگاه بوده و به دلیل تحصیل در حوزه، هر سوسم به پوشیدن لباس روحانیت هستم. این موضوع به صنف من مربوط نبوده و تعهدات صنفی خاصی ندارم. این لباس تحصیل من است نه لباس شغلی‌ام و از قبل آن هم پول در نمی‌آورم. نماینده اسبق مجلس بیان کرد: منته پزیشکان که لباس پزشکی می‌پوشند؛ لباس روحانیت نیز علی‌القاعده باید برای مسجد و منبر استفاده شود؛ زیرا برای آن فعالیت تعریف شده است. اما گاهی آن را بیرون پوشیده و این در مقایسه با زمان‌های نظامی، قیاس مع الفارق است. وی تصریح کرد: ورود نظامیان به انتخابات، هم به حیله گردی آنان و هم به فضای رقابت آسیب می‌زند. نهادهای مانند شورای نگهبان، قوه قضائیه و نیروهای مسلح یک نهاد اجتماعی و برای همه ملت هستند. اگر این نهادها وارد رقابت‌های سیاسی شوند، بیشتر به خودشان آسیب می‌زنند. سیاه، سیبج و نیروهای مسلح زمانی که وارد درگیری‌های سیاسی شوند، مردم را به اساس انتخابات بدبین می‌کنند. در کشوری که دولت آنان نظامی بوده است، از پشتیبانی مردم بی‌بهره بوده و ضعیف بودن دولت باعث آسیب‌های جدی اقتصادی و ... شده است. رهمی تأکید کرد: در ترکیه، حاکمیت مداوم ژنرال‌ها، این کشور را به ورشکستگی رسانده و پول‌شان به بی‌ارزش‌ترین پول دنیا تبدیل کردند؛ زیرا نه‌زبان تعامل با دنیا را بلندبوندند و نه‌زبان گفت‌وگو با مردم را. ژنرال‌های ترکیه در فکر حل کردن مشکلات با حالت یادگانی بودند اما جامعه یادگان نیست. وی خاطر نشان کرد: در حال حاضر، جامعه، از محدودیت‌هایی که دولت‌ها و حکومت‌ها ایجاد می‌کنند؛ به حد کافی رنج می‌برند. اگر قرار یادگانی را در بحث‌های اقناعی و تعامل با جامعه داشته باشد؛ همین میزان آزادی مردم محدودتر شده و در تنگنای بیشتری قرار می‌گیرد.

محمدرضا خباز در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

انتخابات نماد و تجلی مردم سالاری دینی در کشور است

کاندیداها با برنامه‌های واقعی و عملیاتی وارد انتخابات شوند
راه تغییر شرکت نکردن در انتخابات نیست



آرمان ملی - حمید شجاعی: انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ مهم‌ترین مسأله ماه‌های گذشته و پیش‌روی جامعه بوده‌هست، چنانکه جریانات سیاسی از چندماه پیش در صدد حضوری پر قدرت و پر رنگ در آوردگاه ۱۴۰۰ برای اپوزیوی در این انتخابات برآمده‌اند. این در حالی است که هنوز مشکل نارضایتی‌های موجود در جامعه و احتمال کاهش مشارکت منبعث از این مسأله وجود دارد. در این میان برخی معتقدند که تغییر در شرایط معیشتی جامعه و عدم سخت‌گیری در نظارت بر کاندیداها می‌تواند راه‌های مشارکت حداکثری مردم به شمار آید. برای بررسی مسأله موثر در انتخابات پیش‌رو، نحوه مشارکت مردم و شرایط مشارکت حداکثری «آرمان ملی» با محمدرضا خباز فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو حزب اعتماد ملی به گفت‌وگو پرداخته‌است که می‌خوانید.

▶ **با توجه به فاصله ۲ ماهه تا انتخابات و شرایط جامعه انتخابات پیش‌رو و مشارکت مردم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
هر انسان عاقلی باید منافع ملی کشور را بر منافع شخصی و گروهی ترجیح دهد. اگر چنین نشود از نظر عقلای قوم آن فرد عاقل به نظر نمی‌رسد. بدین معنی که اگر کشتی حفظ شد مسافران، ناخدا و ملوانان حفظ خواهند شد. ولی اگر خدای ناکرده کشتی دچار طوفان شود نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان. این یک مسأله عقلی است که عضو یک خانواده باید ابتدا مجموع یک خانواده را در نظر بگیرد و سپس به استراحت خود بپردازد. اگر همه اعضای خانواده تشریک مساعی کنند طبیعتا هم خانواده حفظ خواهد شد و هم آن افراد به منافع فردی و خواسته‌های شخصی خود خواهند رسید.

این موضوع در کشور هم صدق دارد. کشور هم یک خانواده بزرگ است و اگر یک خانواده چهار نفره، هشت نفره یا هشتاد میلیونی را در نظر بگیریم تک‌تک احاد جامعه در حفظ آن جامعه می‌توانند نقش داشته باشند و اگر همه احساس مسئولیت کنند این جامعه کلان اداره خواهد شد ولی اگر افرادی باشند که فقط به فکر منافع شخصی، گروهی و حزبی خود باشند فرامی‌باشم مقام معظم رهبری را از هبزی و حمایت از انقلاب و انقلابی بودن منافع خود را پیش می‌گیرند؛ لذا انتخابات حداکثری را نیز بر نمی‌تابند. کما اینکه بعد از سخنان مقام معظم رهبری یکی از آقایان تعریضی بر فرمایشات ایشان در مورد انتخابات حداکثری داشت. البته برای ما چیز جدیدی نبود، چرا که ما چهل سال است با این انقلاب در زمان امام (ره) و حال حاضر زندگی می‌کنیم. می‌بینیم عده‌ای انقلابی‌تر از امام و کاتولیک‌تر از پاپ هستند و خود را محور همه علوم، فهم‌ها و درک‌ها تشخیص می‌دهند و در جمع‌های کوچک خودشان نیز تحلیل‌هایی می‌دهند که منطقی به نظر نمی‌رسد. آنها معتقدند که انتخابات حداقلی به نفع کشور است. قبلا هم من زیاد گفتم که رسماً اعلام می‌کنند که اگر انتخابات حداکثری بشود جناح، اندیشه و گروه ما رهای خواهد آورد.

▶ **طی مقاطع انتخاباتی بسیاری بر مسأله مشارکت حداکثری تأکید شده است؛ اما امروز جامعه نسبت به مشارکت در انتخابات روی خوشی نشان نمی‌دهد؛ اساسا چه فواید و خاصیت‌هایی را می‌توان بر سرای انتخابات حداکثری برشمرد که مردم نیز بر پایه آن برای حضور اقبال گردند؟**

نخستین خاصیت انتخابات حداکثری این است که به انسجام داخلی کمک می‌کند. چرا که وقتی همه پای صندوق‌های رای می‌آیند یعنی احساس دین بیشتری نسبت به کشور خودشان می‌کنند. انتخابات حداکثری سرمایه‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد و مسئولی که انتخاب می‌شود با قدرت بیشتری سخن می‌گوید. در بین مردم طرفداران فراوانی دارد و در مجامع بین‌المللی محکم سخن می‌گوید. انتخابات حداکثری توطئه‌های دشمن را نقش بر آب می‌کند. در سال ۷۶ مسعود رجوی رئیس منافقین اعلام کرد که انقلاب ایران برای ۲۰ ساله بیهوده شد. چون یک‌دفعه مردم به طور سیل‌آسا پای صندوق‌های رای

عزت‌ا... یوسفیان ملادر گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولت برای تعامل با مجلس تلاش کرد

◀ به دولت انتقاد نشد، توهین شد
◀ دولت در حوزه اقتصاد خوب عمل نکرد



آرمان ملی - محمدهادی علیمردانی: سال ۹۹ در حال به پایان رسیدن است و دولت دوازدهم نیز در سال آینده به تمامی ایفای نقش نخواهد کرد. به همین دلیل اکنون زمان بررسی کیفیت اقدامات دولت در سال پایانی حضور خود در پاستور است. در همین زمینه «آرمان ملی» گفت‌وگویی با عزت‌ا... یوسفیان ملانا نماینده ادوار مجلس، داشت که در ادامه می‌خوانید.

▶ **در روزهای پایانی سال ۹۹ قرار داریم. عملکرد دولت در زمینه سیاست‌های داخلی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
در بخش‌هایی از عملکرد اجرایی کشور که به خود دولت بازمی‌گشت، متولی امور چندگانه بود. مردم متوجه نمی‌شدند سرچشمه سیاست‌های اقتصادی که دولت اعمال می‌کند، از کجا سرچشمه می‌گیرد. فرضاً دولت وزیر اقتصاد دارد و از سمت دیگر معاون اقتصادی رئیس‌جمهور نیز مشغول به کار است. هر کاری دنیا که تشریف ببرد، اینگونه عمل نمی‌شود که مشخص نباشد مسئولیت بر عهده چه کسی است. شما وزیر فرهنگ و ارشاد دارید و وظایف او در حوزه فرهنگی دولت را مشخص می‌کنند. با این حال در خود دولت نیز مسئولانی هستند که در سمت مشاور امور فرهنگی کار می‌کنند. این مسائل در بحث بیماری کرونا نیز وجود دارد. انسان نمی‌داند که در حال حاضر مسئولیت بر عهده چه کسی است. آیا وزیر بهداشت و در مان مسئول بر خورد با این بیماری است اما خود او می‌گوید من متولی کفن و دفن هستم و می‌توانم مردگان را ساماندهی کنم ولی از سوی دیگر ستاد ملی مبارزه با کرونا و بسیاری سازمان‌ها و نهادها را می‌بینید که در مورد این بیماری تصمیم می‌گیرند. ما در تصمیمات دولت دچار چندگانگی شده‌ایم و مسئول واقعا مشخص نیست. پول ملی ما سقوط کرد. می‌دانیم بخشی از این مشکلات ناشی از تحریم می‌باشد ولی چه کسی باید در مقابل این تحریم بایستد؟ چه کسی باید پاسخگو باشد؟ کابینه و وزرای دولت باید پاسخگو باشند. معاونان دولت باید پاسخگو باشند؟ مشاوران دولت باید پاسخگو باشند؟ این موضوع گنگ و نامشخص است.

▶ **اقدامات دولت در زمینه اقتصادی با انتقادات فراوانی مواجه شدند. نظر شما در خصوص عملکرد دولت در این زمینه چیست؟**
همه با گوش خود شنیدند که آقای رئیس‌جمهور و اعضای دولت مردم را تشویق به حضور در بورس می‌کردند. مردم در بورس سرمایه‌گذاری کرده و متضرر شدند. کسی نمی‌تواند این سخنرانی‌ها و دعوت‌ها را منکر شود. گفتند جای سرمایه‌گذاری در بورس بوده و در ارز و سکه نیست. در حالی که هر کس ارز خارجی و سکه خریده، سود کلانی به دست آورده اما هر کس به بورس رفته به خاک سیاه نشسته است. این واقعیت‌هایی است که ما از دولت دیدیم و هنوز هم نمی‌توانند در قبال آن پاسخگو باشند. الان در پایان سال هستیم. با اینکه حقوق کارگران حدود ۳۰ درصد تغییر کرده است، کارگران راضی نبوده‌اند و می‌گویند حتی به خط فقر نزدیک هم نشده‌ایم. حقوق بازنشستگان نیز رضایت‌بخش نیست. اعتراض تقریبا در همه نقاط کشور وجود داشته و تمام اینها به عملکرد غیر قابل قبول دولت در عرصه اقتصادی بازمی‌گردد.

▶ **دولت منتقدان زیادی داشت و مسددا را می‌شنغایند. استقبال از انتقاد یکی از شعارهای مہیشتگی است؛ قیاسی روحانی بوده است. آیا برخورد دولت با منتقدان مسددا صورت گرفته بود؟**
نوع انتقاد در کشور ما چندان پسندیده نیست. همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند، انتقاد باید دوستانه باشد اما هر انتقادی خصمانه بود. انتقاد کنندگان اغلب در خط مقابل دولت قرار داشتند و انتقادات عمدتاً خصمانه بودند. انتقادی که به معنای واقعی برای اصلاح باشد، بسیار به‌ندرت انجام شد. کسانی که از دولت انتقاد می‌کردند، اغلب قصد تخریب و ایجاد مشکل داشتند. دولت می‌توانست انتقاد کنندگان را به صداوسیما آورد، مقابل مدیران اجرایی بنشاند و پاسخ انتقادات داده شود. با حداقل فضای مجلس باید با کیفیتی انجام می‌گرفت که بتوان جلسات علنی برگزار کرد. وزرا بروند، نمایندگان حرف خود را بزنند و پاسخ بگیرند. همانطور که در مجالس، دهم، نهم و هشتم نیز همین اتفاق صورت گرفت. این اتفاق در حال حاضر رخ نمی‌دهد و انتقاد جای خود را به دعوای درگیری داده است.

▶ **با وجود تمام این مباحث عملکرد دولت در مقابل همین انتقادات با تحریب‌ها چگونه بود؟**
دولت در بسیاری از مقاطع با سکوت و خودداری از مقابل انتقادات گدشته و پاسخ‌های اندکی می‌داد. اگر با لحنی که انتقادات صورت می‌گرفت، پاسخ نیز داده می‌شد، مشکلاتی به وجود می‌آمد.

فرارو

دلایلم؛ جرم بدون مجازات

ادامه از صفحه اول / آسیب‌شناسی فساد موجود در کشور، نشان می‌دهد در واقع غیر از عوامل و علل شناخته‌شده جهانی یک پارامتر بیشتر از سایر علل در زنجیره اسباب نهادینه شدن فساد خودنمایی می‌کند و آن وجود واسطه‌گری و دلالی در کشور است. متأسفانه پدیده دلایلم در دهه‌های گذشته باعث شده ارتباط منطقی و حاکمیت اصول در بخش‌های مختلف اداری، اقتصادی، قضایی و فرهنگی دچار اخلاص شود و مانند سیلی بنیان‌کن، بخش مهمی از پتانسیل قانونمند حاکم بر کشور را از بین ببرد یا دچار استهاله کند. وجود واسطه‌ها و دلالات در نظام اداری، قضایی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی بستری را فراهم کرده که مسیر سلامت پیش‌بینی‌شده و مقرر در برنامه‌ها و اهداف مدیران جامعه دچار فرازونشیب، شکست و اخلاص شده و در نتیجه بستری فراهم شود که نتایج اسفبار و ویرانگر در داخل کشور داشته‌باشد. کشوری که با داشتن ذخایر و معادن، نیروهای جوان، هوشمندی بالا و همچنین جغرافیای متنوع، آب و هوای چهار فصل، پتانسیل کشاورزی و صنعت، به جای آنکه الگوی کشورهای جهان باشد، امروز در جدیدترین رده‌بندی‌های در ده ۱۴۴ سازمان بین‌المللی شفافیت قرار دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد دلالات با ایجاد رابطه در تمام نهادهای کشور به گونه‌ای مسیر عادی امور را دچار مشکل کرده و کشور را از یک حالت ضابطه‌سالار به رابطه‌محور تبدیل کرده است. آسیب‌شناسی‌ها نشان می‌دهد در چنین شرایطی فساد ناشی از دلایلم، اثرات اقتصادی، قضایی و سیاسی ویران‌کننده دارد و سرمایه‌گذاری خارجی را به حداقل رسانده است. همچنین اصولاً مانع از رشد سرمایه‌گذاری سالم در کشور خواهد شد. دلایلم، نفس نهمان اقتصاد کشور را به شماره انداخته است. با ایجاد اخلاص در روند امور، درآمد اداری و اقتصادی را از بین می‌برد، موجب بی‌ثباتی سیاسی می‌شود، توزیع کالا و خدمات را دچار مشکل می‌کند، کیفیت تولید، خدمات و اصولاً اجرائی وظایف را دچار مشکل می‌کند، حقوق اساسی و شهروندی مردم را مورد تعرض قرار می‌دهد، فاصله طبقاتی را افزایش می‌دهد، سلامت هنرجوی را از بین می‌برد و بی‌اعتمادی را نسبت به حاکمیت و توانمندی مدیران جامعه به حداکثر می‌رساند. چنانچه می‌دانیم، بسیاری از این تبعات و اثرات منفی در کشور ما به حدی خودنمایی می‌کند و محسوس و آشکار است که اخیراً مقام رهبری دلالی را مانع از توزیع صحیح کالا اعلام کرده‌اند. امری که متخصصان از ده‌ها سال پیش با فریاد زده‌اند. ترمج دلایلم تنها در نظام اداری و قضایی و اقتصادی نیست؛ حتی در سیاست و ورزش هم دلالی، واسطه‌گری و سفارش‌رئوسخ یافته است. فعالیت دلالات در مواردی از استفاده از ارباب، ایجاد ارتباط مقامات و اعمال نفوذ در برخی موارد با دادن رشوه، به صورت آشکاری در جامعه احساس می‌شود. اخیراً در یک برنامه زنده تلویزیونی به خبرنگاری که برای بررسی چرایی افزایش قیمت مرغ و توزیع آن گزارش تهیه می‌کرده است، پیشنهاد پرداخت رشوه می‌شود. سوالی که بعد از این توضیحات، به ذهن می‌آید این است که چرا فساد در کشوری که مدیران آن می‌شود شمار اخلاق انسانی، قانونگرایی و وفاداری به ارزش‌ها را سر می‌هند، وجود دارد؟ عوامل مختلفی برای توسعه دلایلم در کشور وجود دارد که می‌تواند چرایی عدم تفویض در مبارزه با آن را به بهترین نحو نشان دهد. بارها از طریق رسانه‌ها شنیده‌ایم که فلان فرد عالی مقام برای استخدام داماد، فرزند، قوم و خویش، یا برای کسب مجوز، امتیاز، موافقت اصولی، واگذاری زمین، واگذاری اموال صادره شده از سرمایه‌داران سابق به نورچشمی‌ها و اقوام، به مسئولان دیگر نقش میبازی و واسطه‌ارایفا کرده است. بارها شنیده‌ایم که در امور مختلف اقتصادی، ما با سلاطین اختصارگر و مستبد اقتصادی مواجه هستیم. به کرات مسوم انتقاده است که در اطلاع‌رسانی و ارتباطات، بستر رشد بسیاری از نوکیسه‌های جدید را فراهم کرده است و بارها شنیده‌ایم که وجود فرودگاه‌ها یا بندر برای ورود کالا به دور از نظارت دولت، حُصَب اظهار مسئولان در برابر طریق رسانه‌ها شنیده‌ایم که فلان فرد عالی مقام بخت کرونا یک پنهان بود و رئیس‌جمهوری می‌توانست به مجلس برود. می‌شد با تغییر چشمت صندلی‌ها و رعایت پروتکل‌های بهداشتی مقدمات حضور رئیس‌جمهور را در مجلس فراهم کرد اما این اتفاق به دلیل اقدامات نمایندگان رخ نداد. بنابراین دولت را از مشکلات میان دولت و مجلس مقصر ندانیم اما در سایر امور دولت تقصیراتی داشت.

▶ **با وجود تمام این مباحث عملکرد دولت در مقابل همین انتقادات با تحریب‌ها چگونه بود؟**
دولت در بسیاری از مقاطع با سکوت و خودداری از مقابل انتقادات گذشته و پاسخ‌های اندکی می‌داد. اگر با لحنی که انتقادات صورت می‌گرفت، پاسخ نیز داده می‌شد، مشکلاتی به وجود می‌آمد.